

مطالعه جامعه‌شناختی رضایت از زندگی خانوادگی بر حسب الگوی خانواده

The Sociological Study of Life Satisfaction
According to Family Pattern

N. Mohammadi

✉ نعیم محمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، عضو استعدادهای درخشان باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

F. S. Alamdar

فاطمه سادات علمدار

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۲/۵

پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۲۰

Abstract

This article studies the effect of family pattern (Single-parent, polygamous and nuclear) on "family satisfaction" and "quality of life". This is a descriptive- analytical study that has been done by survey method and questionnaire. In this study 187 married women who return to Kahnouge hygiene center selected by simple random sampling method. Data was analyzed by SPSS. Descriptive statistics (mean, standard deviation) and regression results are discussed.

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر الگوی خانواده (زن سرپرست، چندزن و تک‌همسر) بر میزان «رضایتمندی از زندگی» و «کیفیت زندگی» انجام شده است. این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی است که با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه اجرا شده است. گروه نمونه این پژوهش شامل ۱۸۷ زن متأهل مراجعه‌کننده به مرکز بهداشت شهرستان کهنوج می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های به دست آمده پس از آزمون‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، آزمون F و ضریب رگرسیون در فضای SPSS تحلیل شد.

✉ Corresponding author: The member of young researchers club, Azad university of Kerman, Iran

Tel: +980341-3202388

Email: nima.mohammadi@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، باشگاه

پژوهشگران جوان

تلفن: ۰۳۴۱۳۲۰۲۳۸۸

پست الکترونیکی: nima.mohammadi@yahoo.com

Results shows that pattern of family explain 54% of changing satisfaction for women. The most satisfaction and quality of life is observed in nuclear family in comparison with other two groups and Female heading family's level of satisfaction depends on the cause of heading, and in polygamous family depends on the number of wives. The high qualification of life belongs to Female Households family that their husbands had died. In conclusion, family satisfaction is depending on cultural components that shapes during social interactions.

Keywords: Family satisfactions, life quality, Women headed Family, polygene Family.

نتایج به دست آمده نشان داد که الگوی خانواده، تبیین‌گر ۵۴٪ تغییرات رضایتمندی زنان از زندگی خانوادگی می‌باشد. در مقام مقایسه، بالاترین رضایتمندی و کیفیت زندگی در خانواده‌های تک همسر ملاحظه شد؛ میزان رضایت از زندگی در خانواده‌های زن سرپرست، برحسب علت سرپرست شدن زن قابل تبیین است. هم‌چنین بالاترین کیفیت زندگی مربوط به زنانی است که همسرانشان فوت کرده‌اند.

رضایتمندی در خانواده‌های چندهمسر، با توجه به تعداد زنان قابل تبیین است. نتایج بدست آمده در راستای تأیید فرضیه تحقیق نشان می‌دهد، رضایتمندی از زندگی خانوادگی مؤلفه‌های فرهنگی است که در جریان کنش‌های اجتماعی با دیگران شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: رضایتمندی خانوادگی، کیفیت زندگی، خانواده زن پرست، خانواده چندزن.

مقدمه

از آن جایی که زناشویی یک رخداد مقطعی نیست بلکه فرآیندی بلندمدت و مهم به شمار می‌آید؛ لذا توجه به کیفیت و مطلوبیت شیوه‌های ازدواج و اشکال خانواده می‌تواند پایداری و سازگاری را در روابط میان زوجین ایجاد کند (بنی‌اسدی، ۱۳۸۱: ۸). در طول تاریخ الگوهای مختلف خانواده اعم از خانواده ستاکی، گسترده، طلاق، هسته‌ای، چندهمسری، زن سرپرست و... وجود داشته و در هر یک از این الگوها نیز روابط خاصی حاکم بوده است. سنجش تأثیر الگوی خانواده بر روابط میان اعضاء با استفاده از تئوری جرج زیمل^۱ قابل تحلیل است. او منطبق با جامعه‌شناسی صوری به تحلیل جایگاه اعداد در تنظیم روابط میان افراد در گروه مبادرت می‌ورزد (زیمل، ۱۳۸۶؛ ۳۳). در نظریه اعداد زیمل به دیالکتیک میان صورت و محتوا شکلی عینی می‌بخشد (کوزر، ۱۳۸۰؛ ۲۵۹). به نظر او روابط درون گروه‌های دونفره پایدارترند؛ زیرا وابستگی فرد به گروه و احساس تعلق گروه به اعضایش زیاد است (روزنبرگ و کوزر، ۱۳۸۲؛ ۷۱). از این رو، بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند تحولات جامعه جدید

باعث شده خانواده هسته‌ای بیش از دیگر الگوها پذیرش و کارکرد اجتماعی پیدا کند. به عقیده اعزازی در جامعه صنعتی، خانواده هسته‌ای محیطی صمیمی برای کاهش فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراهم آورد که جزء اجتناب‌ناپذیر جامعه جدید است (اعزازی، ۱۳۷۶). روابط درون چنین ساختاری با توجه به جو خانواده (تعداد اعضا، شیوه برقراری روابط جنسی، روابط عاطفی، تفاهم اخلاقی و شیوه سازماندهی امور خانگی) متعادل است. بر این اساس، تعارض و انسجام در روابط زناشویی در خانواده‌های هسته‌ای در مقایسه با دیگر الگوها کمتر گزارش شده است (ملاشرفی و دیگران، ۱۳۸۴). در مقابل، کاهش میزان سرمایه اجتماعی افراد در خانواده‌های چندهمسر منجر به افزایش فاصله اجتماعی این گروه شده است (ناظرزاده کرمانی، محمدی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۵). افزایش کشمکش‌های روانی، زبانی و فیزیکی درون خانواده‌های چندهمسر موجب کاهش رضایت زندگی شده (محمدی، شیخی، ۱۳۸۷)، هم‌چنین وجود گونه‌های مختلفی از تضاد در روابط قدرت عاطفی و جنسی منجر به کاهش میزان صمیمیت و سازگاری میان اعضای این خانواده‌ها شده است (شیخی و محمدی، ۱۳۸۷).

تالکوت پارسنز^۲ نیز رضایتمندی را به عنوان یک متغیر وابسته، تابعی از شرایط ساختار اجتماعی مطرح کرد (ویلسون^۳، ۱۹۸۵). از این منظر ساختارهای اجتماعی فرد را در برمی‌گیرند و از بیرون بر او فشار وارد می‌آورند (آرون، ۱۳۶۳:۳۷۱). بنابراین ضرورت‌های معیشتی و اقتصادی تأثیرگذار بر الگوی خانواده و روابط میان اعضا نیز بر این اساس قابل تحلیل است (فرید، ۱۳۸۳: ۲۷۱). در شرایطی که الگوی غالب خانوادگی در جامعه ایران از نوع هسته‌ای است، منطبق با آمارهای رسمی، نرخ چندهمسری در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به ترتیب ۱۰۰۹ و ۱۰۰۷ گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). پژوهشگران سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت نیز در یک مطالعه ملی در سال ۱۳۷۰ میزان خانواده‌های چندزن در ایران را ۲/۸ درصد اعلام نمودند (امانی، ۱۳۸۰: ۴۳). اگر چه این میزان در کل کشور رقم قابل ملاحظه‌ای نمی‌باشد؛ اما با مطرح شدن بند ۲۱ لایحه حمایت از خانواده در سال ۱۳۸۶، مسئله سنجش رضایتمندی زنان در این خانواده‌ها و سبک زندگی آنان بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند. از طرف دیگر با افزایش نرخ طلاق در سال‌های اخیر هم‌چنان بر تعداد خانواده‌های زن‌سرپرست نیز افزوده می‌شود. طبق آمارهای رسمی در سال ۱۳۸۵ از هر ۱۲ خانواده، یک خانواده زن‌سرپرست وجود دارد. اگر چه برخی صاحب‌نظران معتقدند که این میزان همراه با کم شماری‌هایی است (شادی‌طلب، ۱۳۸۳: ۵۷). نارضایتی از زندگی خانوادگی در میان زنانی که بار زندگی را به تنهایی به دوش می‌کشند و مجبور به ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های چندگانه‌اند، بیشتر گزارش شده است (کوتلر، ۱۳۸۱؛ ۱۸۶-۱۹۴). بر حسب علت سرپرست شدن زنان درجات مختلفی از طرد اجتماعی در چنین خانواده‌هایی نمود پیدا می‌کند که موجب نارضایتی زنان از زندگی خانوادگی می‌شود (مقدس‌جعفری و محمدی، ۱۳۸۵).

نظر به آنچه مطرح شد، هدف این مقاله اولاً، بررسی تطبیقی «سبک زندگی» در الگوهای مختلف خانوادگی و امکان شناخت محدودیت‌ها و امتیازات هر یک از این الگوها جهت برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر است؛ ثانیاً، جنبه‌های اجتماعی- فرهنگی «رضایتمندی خانوادگی» در مقابل تحلیل‌های صرفاً روان‌شناختی و فردی مورد توجه قرار گرفت؛ سرانجام در مقاله حاضر سنجش دقیق مفهوم رضایتمندی از طریق تفکیک ابعاد مختلف رضایتمندی روانی، اجتماعی و اقتصادی انجام شد و هر یک از این عناصر به صورت جداگانه در ارتباط با متغیر الگوی خانواده قرار گرفت.

روش

این پژوهش، یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی است که با روش پیمایشی انجام شده است. در این طرح همزمان میزان رضایتمندی از زندگی خانوادگی و بررسی سبک زندگی در ۳ الگوی مختلف خانوادگی اعم از خانواده‌های تک‌همسر، زن‌سرپرست و چندزن اندازه‌گیری شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن شهرستان کهنوج از توابع شهر کرمان می‌باشد. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت زنان متأهل شهرستان کهنوج حدود ۳۵ هزار نفر است. با توجه به جدول لین در سطح ۹۵٪ اطمینان و با فرض وجود ۵۰ درصدی پارامتر (رضایت زناشویی) از بین ۳۵ هزار زن متأهل شهرستان کهنوج ۱۸۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. با در نظر گرفتن احتمال پرسشنامه‌های مخدوش، بی‌جواب و نمونه‌های غیرمعرف ۲۰۰ پرسشنامه آماده توزیع شد که ۱۸۷ نسخه از آن‌ها به درستی تکمیل و مورد استفاده قرار گرفت. از این میان با توجه به توزیع ناهمسان ساختارهای خانوادگی مختلف ۸۵ زن متعلق به خانواده هسته‌ای، ۶۷ زن متعلق به خانواده زن سرپرست و ۳۵ زن متعلق به خانواده چندهمسر که طی ۶ ماه گذشته به مرکز بهداشت مراجعه نمودند با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسش قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه استاندارد انریچ^۴: در این پژوهش برای سنجش میزان رضایتمندی زنان از زندگی خانوادگی از این پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه انریچ از اعتبار و روایی بالایی برخوردار است، به طوری که ضریب آلفای کرونباخ توسط السون و همکاران (۱۹۸۹)، ۹۲٪ و در پژوهش مهدویان (۱۳۷۶) ۹۳٪ گزارش شده است. صالحی فردی (۱۳۷۹) گزارش کرده است که ضریب همبستگی این پرسشنامه با دیگر مقیاس‌های رضایت از زندگی مشترک از ۴۱٪ تا ۶۰٪ در نوسان

می‌باشد که نشان‌دهنده روایی سازه‌ای آن است. همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها با یکدیگر و با نمره کل پرسشنامه، در سطح ۵٪ معنادار بود (صالحی فدردی، ۱۳۷۹).

پرسشنامه کیفیت زندگی: برای سنجش «کیفیت زندگی» از پرسشنامه استاندارد بیکر^۵ و دایموند^۶ (۱۹۹۵) استفاده شد. روایی این پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی معادل ۰/۹۵ گزارش شد. دکتر اکبر بیان‌زاده و دکتر اشرف کربلایی‌نوری این پرسشنامه را در سال ۱۳۸۵ در مطالعه خود به‌کار گرفتند و آلفای کرونباخ را در ۰/۸۸ به دست آوردند، که نشان از پایایی اطمینان‌بخشی دارد.

شیوه اجرا

تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه در بین ساعات مختلف روز و تا پاسی از شب و روزهای تعطیل انجام شد. پس از شرح اهداف مطالعه برحسب این‌که مراجعه‌کننده به کدام الگوی خانوادگی تعلق داشت مورد پرسش قرار می‌گرفت. هر مصاحبه به‌طور متوسط ۴۵ دقیقه به‌طول انجامید.

روش تجزیه و تحلیل

اطلاعات گردآوری شده پس از آماده‌سازی به کمک نرم‌افزار آماری Spss تجزیه و تحلیل شدند. در این مرحله با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی جامعه مورد مطالعه توصیف و سپس فرضیه‌های تحقیق به کمک ضریب همبستگی و ضریب رگرسیون مورد آزمون قرار گرفت که نتایج مشروح آن در بخش یافته‌های تجربی آورده شده است.

یافته‌ها

رضایتمندی اجتماعی و روانی زنان در خانواده هسته‌ای در مقایسه با دو گروه دیگر بالاتر و میزان انحراف از میانگین آن کمتر است. اگرچه میزان رضایتمندی اقتصادی زنان در خانواده چندزن، بالاتر به‌دست آمده اما میانگین رضایتمندی روانی زنان در این گروه به‌شکل قابل ملاحظه‌ای پایین از سایر گروه‌ها است (جدول شماره ۱).

جدول ۱: توصیف برخی مشخصات عمومی پاسخگویان بر حسب الگوی خانوادگی

رضایتمندی از زندگی	خانواده هسته‌ای		خانواده چندهمسر		خانواده زن سرپرست
	میانگین	انحراف از معیار	میانگین	انحراف از معیار	میانگین
رضایتمندی اجتماعی از زندگی خانوادگی	۱۷/۹	۱/۳۶	۱۱/۶	۲/۰۷	۱۰/۷
رضایتمندی روانی از زندگی خانوادگی	۱۵/۱	۲/۲۱	۹/۸	۲/۷۳	۱۱/۶
رضایتمندی اقتصادی از زندگی خانوادگی	۱۳/۳	۱/۰۹	۱۷/۸	۲/۹	۱۰/۲

رضایت‌مندی اجتماعی، روانی و اقتصادی زنان در خانواده‌های هسته‌ای به شکل معناداری بیش از دو الگوی دیگر به دست آمد. مقایسه میانگین رضایت‌مندی در خانواده‌های زن سرپرست نشان می‌دهد که این گروه از پاسخگویان در مقایسه با زنان چندزن از رضایت‌مندی روانی بیشتر و رضایت‌مندی اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردارند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: تحلیل واریانس یک طرفه میان متغیرهای وابسته و الگوی خانواده

مجدور Eta	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار F	زن سرپرست	چندهمسر	هسته‌ای	الگوی خانواده
							متغیر وابسته
۰/۶۸	۰/۰۰۰	۲ ۱۸۶	۳۴/۳۲	۱۲/۲۱	۱۶/۷۶	۱۹/۰۵	رضایت‌مندی اجتماعی از زندگی خانوادگی
۰/۶۵	۰/۰۰۰	۲ ۱۸۶	۳۴/۱۳	۱۱/۱	۱۰/۵	۱۷/۸	رضایت‌مندی روانی از زندگی خانوادگی
۰/۶۴	۰/۰۰۰	۲ ۱۸۶	۳۲/۹۲	۹/۳	۱۸/۲	۱۷/۵	رضایت‌مندی اقتصادی از زندگی خانوادگی

سبک‌های مختلف زندگی درون هر یک از الگوهای خانوادگی به شکل معناداری بر میزان رضایت‌مندی اجتماعی، اقتصادی و روانی زنان تأثیر می‌گذارد. بر این اساس تجربه طلاق در زنان سرپرست خانوار و افزایش تعداد همسر در خانواده‌های چندزن میزان رضایت‌مندی اجتماعی و روانی را کاهش می‌دهد (جدول شماره ۳).

جدول ۳: تحلیل واریانس یک طرفه میان متغیرهای وابسته و عوامل درونی

شکل بخشیدن به الگو خانواده

مجدور Eta	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار F	چندهمسر		زن سرپرست			الگوی خانواده متغیر وابسته
				۳ و ۴ همسری	۲ همسری	مهم‌جور	طلاق	فوت	
۰/۷۲	۰/۰۰۰	۲ ۱۸۶	۱۶/۱۵۴	۱۳/۰۳	۱۳/۶۲	۱۶/۱۵۴	۹/۷	۱۸/۰۲	رضایت‌مندی اجتماعی از زندگی خانوادگی
۰/۵۹	۰/۰۰۱	۲ ۱۸۶	۱۱/۲۴۱	۹/۴	۱۰/۷۳	۱۱/۲۴۱	۱۰/۶۱	۱۷/۱۵	رضایت‌مندی روانی از زندگی خانوادگی
۰/۶۸	۰/۰۰۰	۲ ۱۸۶	۱۶/۰۲۱	۱۳/۷۸	۱۴/۹۵	۱۶/۰۲۱	۱۱/۰۴	۱۰/۷۲	رضایت‌مندی اقتصادی از زندگی خانوادگی
۰/۷۷	۰/۰۰۰	۲ ۱۸۶	۱۵/۳۴۶	۱۱/۶۷	۱۲/۴۹	۱۵/۳۴۶	۱۰/۰۲	۱۶/۸۹	رضایت‌مندی (اجتماعی، روانی، اقتصادی)

در آزمون رگرسیون خطی که با استفاده از روش گام‌به‌گام^۷ انجام شده، الگوی خانواده و میانگین تعداد اعضای خانواده به عنوان متغیر مستقل و رضایت‌مندی زنان از زندگی به عنوان متغیر وابسته در

نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند، در مجموع ۵۴٪ از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیرهای مستقل تبیین می‌شوند. در این میان تعداد اعضای خانواده بیشتر از الگوی خانواده رضایت‌مندی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

جدول ۴: مشارکت نسبی متغیرهای وارد شده بر میزان رضایت‌مندی

اجتماعی، روانی و اقتصادی

متغیرها به ترتیب ورود به معادله	β	B	df	سطح معناداری
میانگین تعداد اعضای خانواده	۰/۵۸۰۲	۰/۷۶۲۱	۲	۰/۰۰۰
الگوی خانواده (چندهمسر، زن سرپرست)	۰/۴۹۱۹	۰/۶۸۰۴	۲	۰/۰۰۰
<p>مقدار $R = ۰/۷۴$ مقدار $R^2 = ۰/۵۴$ مقدار R^2 تصحیح شده = ۰/۵۴ سطح معنی‌داری $F = ۰/۰۰۰$</p>				

بحث

جستجوهای پژوهشگر در پیشینه و ادبیات تحقیقی موجود در زمینه رضایت‌مندی از زندگی خانوادگی نشان می‌دهد توجه محققین غالباً به روابط درون ساختارهای خانوادگی است و کمتر به بررسی تطبیقی رضایت‌مندی بین الگوهای مختلف خانوادگی پرداخته شده است. نقطه ضعف اغلب این مطالعات، بررسی رضایت‌مندی به‌عنوان یک متغیر کلی بدون در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن اعم از رضایت‌مندی روانی، اجتماعی و اقتصادی است.

ویلیام گود^۱ در مطالعه خود، شکل خانواده را تابعی از عوامل چندگانه نظام اجتماعی - اقتصادی می‌داند. وی روابط درون خانواده را برحسب کارکرد الگوی خانوادگی در نظام کنش توضیح می‌دهد. از این‌رو در مطالعه گود چندهمسری خاص دوره‌ای از تاریخ است و در جامعه جدید کاکرد خود را از دست داده است. او شواهدی ارائه می‌کند که در نتیجه سیاست‌های کنترل جمعیت، سقط جنین، افزایش سن ازدواج و طلاق، خانواده در جامعه جدید به سمت کوچک‌تر شدن پیش می‌رود و تغییرات ساختاری در الگوی خانواده رخ داده است. در نهایت گود پذیرش اجتماعی خانواده‌های چندهمسری در مقایسه با خانواده‌های تک‌والد را در جامعه مورد بررسی کمتر، گزارش می‌کند. اما نتایج تحقیق حاضر برخلاف تحلیل ارائه شده از سوی گود نشان داد در جامعه مورد بررسی رضایت‌مندی زنان در خانواده‌های چندهمسر بیشتر از خانواده‌های زن‌سرپرست (طلاق و مهجوریت) است. نتیجه تحقیق گود تنها در مواردی مصداق پیدا می‌کند که همسر فوت شده است.

زیمل در تحلیل روابط خانوادگی در جامعه کنونی نزاع بر سر منابع محدود را مطرح می‌کند. به اعتقاد او با افزایش میانگین تعداد اعضای خانواده نزاع و کشمکش‌های درونی بالا می‌گیرد. در این تحقیق نارضایتی برحسب میزان محرومیت و کشمکش بر سر منابع محدود تبیین می‌شود. یافته‌های تحقیق حاضر در راستای تأیید نتایج زیمل نشان داد میانگین تعداد اعضای خانواده بیشترین سهم را در تبیین تغییرات مربوط به رضایت‌مندی دارد. علی‌رغم وجود بالاترین میزان رضایت‌مندی اقتصادی در خانواده‌های چندهمسر که میانگین اعضای خانواده در آن‌ها زیاد به‌دست آمد، میزان رضایت‌مندی روانی این گروه در مقایسه با دیگر گروه‌ها پایین است.

شرایط زندگی در خانواده‌های چندزنی موضوع مطالعه دنیس^۹ و سارجنت^{۱۰} قرار گرفت. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد خشونت‌های فیزیکی علیه زنان و کودکان در این گروه بسیار بالا است. این دو محقق، چندزنی را برخلاف سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور فرانسه معرفی می‌کنند و معتقدند عدم انطباق چنین الگوی خانوادگی با دیگر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و سیاسی بقای سیستماتیک نهاد خانواده را با مشکل مواجهه ساخته است.

نتایج تحقیق محمدی و شیخی با عنوان «مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی از حیث محتوا و شدت کشمکش در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر شهر زاهدان» با تأکید بر سبک زندگی نشان می‌دهد، شدت کشمکش در روابط میان زوجین در خانواده‌های چندزنی که به‌صورت مشترک سکونت دارند، بالاتر است. نتایج این تحقیق یافته‌های مطالعه حاضر را تأیید می‌کند زیرا با افزایش تعداد همسران، رضایت‌مندی (اجتماعی، اقتصادی و روانی) به‌شکل معناداری کاهش نشان داد.

نتایج تحقیق ملاشرفی و همکاران او در سال ۱۳۸۴ با عنوان «هنجاریابی مقیاس جو خانواده ایرانی ساکن تهران» نشان داد، جو خانواده بر انسجام و تعارض میان زوجین تأثیرات بسیار زیادی دارد. تعداد اعضای خانواده، شیوه برقراری روابط جنسی و روابط عاطفی، تفاهم اخلاقی و شیوه سازماندهی (مدیریت) امور خانگی از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در این خصوص به‌شمار می‌آیند. نتایج مشابه با آن‌چه در این مطالعه حاصل شد در مقاله‌ای که توسط حسونه^{۱۱} انجام گرفت مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحقیقات او نشان می‌دهد ۸۷٪ از زنان اول در خانواده‌های چندزن، ازدواج مجدد همسرانشان را نوعی سوء استفاده قلمداد نمودند. احساس محرومیت از محبت و صمیمیت زناشویی در میان آن‌ها از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زا تلقی می‌شود. در میان این گروه از پاسخگویان از دست رفتن وجه اجتماعی به‌دلیل ازدواج هم‌زمان شوهر، یکی دیگر از عوامل نارضایتی تعریف می‌شود. نتایج مطالعه دیگری که توسط محمدی و شیخی انجام شده است ضمن تأیید یافته‌های دو مقاله مذکور نشان می‌دهد که شدت نارضایتی زنان اول در خانواده‌های چندزن بیش از سایر زنان است. این نتایج، با یافته‌های تحقیق حاضر مبنی بر افزایش نارضایتی روانی و اجتماعی زنان در

خانواده‌های چندزن سازگار است. مطالعه استفانی^{۱۲} تحت عنوان «بررسی میزان رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر در شهر ابوظبی امارات متحده عربی» شاهد دیگری در تأیید نتایج تجربی این تحقیق است. او نشان می‌دهد در شرایطی که نظم ارزشی و اعتقادی جامعه عرب پذیرای نظام چندهمسری است اما میزان افسردگی و میل به خودکشی در زنان مورد مطالعه بسیار بالا گزارش شده است. اگرچه میزان رضایتمندی روانی در این خانواده‌ها با افزایش تعداد فرزندان پسر خانواده افزایش می‌یابد؛ اما میزان کشمکش بین هووها در این شرایط افزایش می‌یابد. در مقابل البدرو^{۱۳} نیز گونه‌ای از ناراضی‌تری روانی شدید زنان در خانواده را گزارش می‌کند که در ارتباط با «خود» و «منزلت ذهنی» شکل می‌گیرد و نه نظام اجتماعی و دیگران مهم (البدرو، ۲۰۰۷؛ ۱۵). تحقیق او برخلاف نتایج این مطالعه، گویای ناراضی‌تری شدید روانی زنان در خانواده‌های چندهمسر علی‌رغم تأیید اجتماعی جامعه مورد مطالعه است.

نتایج مطالعه موردی الشربینی^{۱۴} که سلامت روانی و جسمی زنان اول در خانواده‌های چندزنی و زنان شوهر مرده را مورد بررسی قرار داد؛ نشان داد میزان افسردگی، اضطراب و بیماری‌های جسمی هم‌چون فشارخون و سردردهای میگرنی در زنان اول خانواده‌های چندهمسر بیش از زنان گروه دوم است. نتایج این مطالعه در راستای اثبات نتایج تحقیق حاضر است. ازکان^{۱۵} و آلتینگدان^{۱۶} علت عدم سلامت روانی و جسمی را پایین بودن میانگین سن ازدواج زنان در اولین ازدواج، وجود هووها به‌عنوان رقیب، بی‌توجهی مرد به زن اول و فرزندان دختر، زندگی بدون عشق، انتخاب همسر به‌صورت اجباری و ایجاد دو دستگی در روابط خانوادگی مطرح شده است.

نتیجه به‌دست آمده از تحقیق ملانقی در قم تحت عنوان «وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روانی در خانواده‌های چندهمسری» نشان می‌دهد، سلامت روانی زنان در این خانواده‌ها تفاوت معناداری با خانواده‌های تک‌همسر ندارد. هم‌چنین عنوان شده، میزان مشارکت گروهی میان افراد خانواده در خانواده‌های چندهمسر به‌مراتب بیشتر است. این نتیجه برخلاف یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر است زیرا تنها رضایتمندی اقتصادی زنان در خانواده چندزن بالا است و در سایر موارد ناراضی‌تری به‌شکل معناداری افزایش نشان می‌دهد که علت آن می‌تواند شرایط اجتماعی- فرهنگی جامعه مورد بررسی باشد. شاهد دیگری از چنین گزارشی مطالعه‌ای است که توسط عارف‌نظری و مظاهری در مورد «سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چندهمسری - تک‌همسری)» در سال ۱۳۸۴ در شهر تهران انجام شد. بر اساس نتایج این تحقیق تفاوت معناداری میان این دو گروه ملاحظه نشده است. بنابراین نتیجه به‌دست آمده حاکی از آن است که الگوی دلبستگی ناایمن و چارچوب‌های رشدی نابه‌نجار عاملی برای چندهمسری محسوب نمی‌شوند. زیرا تمایل زنان به انتخاب مردانی زیاد است که جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند. بنابراین صرف‌نظر از وضعیت

تأهل یا مجرد مرد، میزان دلبستگی زوجه به مردان چند زن متنفذ به لحاظ اجتماعی و اقتصادی در سطح بالایی قرار دارد.

با توجه به مقایسه‌ای که میان نتایج مقاله حاضر با تحقیقات دیگر انجام شد، در مقام بحث پیرامون سهم عوامل اجتماعی در تبیین میزان رضایتمندی زنان از زندگی خانوادگی می‌توان به نقش تعیین‌کننده الگوی خانواده اشاره کرد که در تحقیق حاضر شدت آن را آزمون رگرسیون به وضوح نشان داد. مهم‌ترین نتیجه این مطالعه را می‌توان چنین خلاصه کرد: اولاً، شکل خانواده سهم زیادی در تأمین رضایت اعضا دارد. ثانیاً، با افزایش تعداد اعضای هم منفعت در خانواده، میزان رضایتمندی اجتماعی، اقتصادی و روانی کاهش می‌یابد. چنان‌چه بپذیریم رضایتمندی مقوله‌ای چندبعدی و اجتماعی است تفکیک هر یک از این ابعاد به‌طور مشخص با الگوی خانواده در ارتباط است. از این رو رضایتمندی اجتماعی، روانی و اقتصادی زنان در خانواده‌های چندهمسر با افزایش تعداد زنان کم شد.

از آن‌جا که تلقی دیگران و تصور ما از ارزیابی دیگران مهم، طبق الگوی نظری پارسنز در ایجاد رضایتمندی اجتماعی و روانی مؤثر است، رضایتمندی زنان در خانواده‌های چندزن در مقایسه با زنان خانواده‌های زن سرپرست (طلاق و مهجوریت) افزایش معناداری نشان داد. از آن‌جا که جامعه همواره آماده تشویق به از خودگذشتگی زانی است که پس از فوت همسرانشان به تنهایی نظام خانواده را حفظ می‌کنند؛ رضایتمندی روانی و اجتماعی این زنان علی‌رغم رضایتمندی پایین اقتصادی، بسیار بالاتر از گروه رقیب قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------|-----------------|
| 1. George Simmel | 9. Dennis |
| 2. Parsons Talcott | 10. Sargent |
| 3. Willson | 11. Hassuneh |
| 4. Enrich | 12. Stifany |
| 5. M. Becker | 13. Elbedour |
| 6. R. Diamond | 14. AL-Sherbiny |
| 7. Step wise | 15. Azkan |
| 8. William Goode | 16. Altingdan |

منابع

- آبوت، پ. و کلر، و. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی زنان* (ترجمه م. نجم عراقی). تهران: نشر نی.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امانی، م. (۱۳۸۰). نگاهی به چهل سال تحول جمعیت شناختی ازدواج در ایران از سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵. *نامه علوم اجتماعی*، ۷، ۴-۵۷.

- برنالدز، ج. (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعات خانواده* (ترجمه ح. قاضیان). تهران: نشر نی.
- بنی‌اسدی، ح. (۱۳۸۴). بررسی اثر پاره‌ای از عوامل مؤثر فردی - اجتماعی بر سازگاری زناشویی. *مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی*، شماره ۳۹، ۲۵-۷.
- جعفری‌شردهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی علل ناراضی‌تی زوجین. *مجله علوم انسانی، ویژه‌نامه علوم اجتماعی*، ۲(۵)، ۸۳-۱۰۴.
- جلالی، ر. و رهبریان، ن. (۱۳۸۵). بررسی جامعه‌شناسان روابط میان زوجین در خانواده. *مجله علوم انسانی دانشگاه مازندران*، ۱(۱)، ۲۳-۱۲.
- خسروی، ز. (۱۳۸۰). بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۳۹، ۷۱-۹۴.
- خلیلی، م. (۱۳۷۸). بررسی تضاد در خانواده: با تأکید بر تضاد میان همسران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- روزن‌باومن، ه. (۱۳۶۷). *خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه* (ترجمه م. ص. مهدوی). تهران: نشر دانشگاهی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (ترجمه م. ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
- زاهدی‌مازندرانی، م. (۱۳۷۵). خانوارهای روستائی تحت سرپرستی زنان. *مجموعه مقالات گردهمائی مساله فقر و فقرزدائی*، ۳۹-۳۴.
- زیمیل، گ. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی خانواده* (ترجمه ف. گوشبر و ح. معینی‌فر). *مجله پژوهش زنان*، ۳(۳)، ۱۹۵-۲۰۸.
- زیمیل، گ. (۱۳۸۶). *مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی* (ترجمه ش. مسمی پرست). تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- سگال، م. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده* (ترجمه ح. الیاسی). تهران: نشر مرکز.
- سیف، س. (۱۳۶۸). *تئوری رشد خانواده*. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
- سیف‌اللهی ننه‌کران، ح. (۱۳۷۲). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۳، ۱۳-۲۲.
- شادی‌طلب، ژ. و کمالی، ا. (۱۳۷۹). زنان: بسته‌ترین حلقه زنجیر فقر در ایران. *مجموعه مقالات مربوط به اولین کنفرانس فقر در ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی*، ۵۵-۵۰.
- شیخی، م. و محمدی، ن. (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی از حیث محتوا و شدت کشمکش در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر. *مجله پژوهش زنان*، ۶(۴)، ۱۸۳-۲۰۱.
- فروزان، س. و بیگلریان، ا. (۱۳۸۲). زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها. *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۱، شماره ۵، ۳۴-۵۱. کوتلر، س. (۱۳۸۱). *نقش تجربیات زناشویی در میزان رضایتمندی زوجین* (ترجمه د. احمدی). تهران: انتشارات تحقیقات اجتماعی.
- کوزر، ل. (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی* (ترجمه م. ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، ل. و روزنبرگ، ب. (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی* (ترجمه ف. ارشاد). تهران: نشر نی.
- کیهان‌نیا، ا. (۱۳۸۴). *تحلیلی بر اختلافات زناشویی*. تهران: نشر مادر.
- لمی‌شو، س. و له‌وی، پ. (۱۳۸۱). *نمونه‌گیری، روش‌ها و کاربردها*. (ترجمه گ. مختاری امیرمجد). تهران: نشر مرکز آمار ایران.
- منادی، م. (۱۳۸۳). تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان. *مجله مطالعات زنان*، ۲(۴)، ۴۳-۶۸.
- محمدی، ن. و شیخی، م. ت. (۱۳۸۹). *گونه‌شناسی کشمکش در خانواده‌های چندهمسر. مجله تحقیقات زنان*، ۲(۴)، ۲۱-۳۸.

- مهدوی، ی. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر رضایتمندی زوجین از روابط زناشویی در شهر ساوه. مجله پژوهش زنان، ۴(۳)، ۱۸-۲۸.
- مقدس جعفری، م.، و محمدی ن. (۱۳۸۶). بررسی مشکلات اجتماعی زنان در خانواده‌های زن سرپرست. مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۱، ۵-۳۳.
- مولوی، ح. (۱۳۸۱). شناسایی عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی. نامه علوم اجتماعی، ۲(۳)، ۵۴-۶۷.
- ناظرزاده کرمانی، ف.، و محمدی ن. (۱۳۸۷). بررسی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به سرمایه اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندهمسر. مجله خانواده‌پژوهی، ۴(۱۶)، ۳۶۹-۳۸۵.

- AL- Sherbiny, A. (2005). The case of first wife in polygamy. *Arab Psynet Journal*, 8, 18-26.
- Anderson, M., Gary, A & Tollison, D. (1998). Interests and prohibition of polygamy. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 35, 76-93.
- Banks, T., & Carl, L. (1989). *Encyclopedia of family life* Volume 1&4. New Jersey: Pasadena, And Hackensack.
- Berger, B. (2003). *The family in modern age* London : New Brunswick.
- Coltrane, S., & Collins, R. (1995). *Sociology of marriage and family*. Cambridge: Polity Press.
- Elbedour, S., Bart, W., & Hektner, J. (2007). The relationship between monogamous/polygamous family structure and the mental health of Bedouin Arab adolescents. *Journal of Adolescence*, 30, 213-230.
- Goode, J. W. (1989). *The family*. New Delhi: Cosmo Publication.
- Ozkan, Mustafa. Tindag, Arrahman and Sentunali.Esin. (2006). Mental health aspects of Turkish women from polygamous versus monogamous families. *International Journal of Social Psychiatry*, 2(1) 52-214.
- Parsons, T. (1998). *Family socialization and interaction process*. London and New York: Rutledge
- Leeder, J. Elaine. (2004). *The Family in global perspective*. New York: Garland.
- Steel, L., & Kidd, W. (2001). *The family*. Malaysia: The New Press
- Stefan, G. (2007). Effect of polygamous marital structure on the wives. *Gender Studies*, 4(1), 25-39.
- Sargent, Carolyn and Dennis, Cordell, (2003). Polygamy, disrupted reproduction, and the state: Malian migrants in Paris. *Journal of Social Science & Medicine*, 56, 961- 972.
- Scaffer, T. (1992). Effect of polygamous marital structure on the wives. *Gender Studies Journal*, 14(1), 95-115.
- Zelditch, J. (1998). *Role differentiation in the nuclear family: A comparative study*. New york: Rutledge.